

The Effects of Governance on Public Debt in Iran; Application of Smooth Transition Regression Model

Maryam Heidarian*

Original Article	Receive Date: 2024 Jun 11	Accept Date: 2024 Aug 06	Page: 41-64
------------------	---------------------------	--------------------------	-------------

Abstract

The unprecedented increase of the debts level in all countries highlighted the role of governance on public debt. Theoretical and empirical literature has shown that countries with weak governance structures face the problem of separating monetary policy from debt management, so the necessity of good governance and strong institutional capacity can be effective in reducing the debt burden. This study examines the effect of governance on government debts in Iran's economy during the period of 1996-2022 using smooth transition regression model. The results showed that increasing the governance index in both linear and non-linear regimes had a positive and significant effect on government debts, with the difference that these effects were intensified in the second regime. The strong institutions can effectively help curb debt in countries due to the existence of strong financial frameworks and laws, but in countries with weaker institutions, due to the lack of regulatory frameworks, the lack of political stability and government effectiveness, the existence of corruption, etc, can lead to debt instability in the country. An important issue that has emerged in Iran in recent years and its consequences can be seen in all economic, social and political aspects of the country. This study showed that some of the negative consequences of economic variables are due to the weakness of government policies and government institutions to strengthen governance, which has caused a better environment to promote economic variables and bring declining economic growth and increasing debts to Iran.

Keywords: Governance, Public Debt, Smooth Transition Regression, Iran

JEL Classification: H63, H83, C21, H11.

* Member of the Academic Staff of the Research Institute of Economic Affairs, Ministry of Economic Affairs and Finance, Tehran, Iran (Corresponding Author)
maryamheidarian.1368@yahoo.com

اثرات حکمرانی بر بدهی‌های عمومی در ایران؛

کاربرد از مدل رگرسیون انتقال ملایم

مریم حیدریان*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶	شماره صفحه: ۴۱-۶۴
-------------------	--------------------------	-------------------------	-------------------

چکیده

در دوره های اخیر افزایش بی سابقه سطح بدهی ها در سراسر کشورها، نقش حکمرانی مطلوب را بر بدهی عمومی برجسته تر نموده است. ادبیات نظری و تجربی نشان داده که کشورهایی با ساختار حاکمیتی ضعیف، با مشکل جداسازی سیاست پولی از مدیریت بدهی مواجه هستند، لذا ضرورت وجود حکمرانی مطلوب و ظرفیت نهادی قوی می تواند در کاهش بار بدهی مؤثر باشد. این مطالعه به بررسی تأثیر حکمرانی مطلوب بر بدهی های دولت در اقتصاد ایران طی دوره زمانی ۱۴۰۱-۱۳۷۴ با استفاده از رگرسیون انتقال ملایم می پردازد. بر طبق نتایج به دست آمده، افزایش شاخص حکمرانی مطلوب در هر دو رژیم خطی و غیرخطی داری اثرگذاری مثبت و معناداری بر بدهی های دولت بوده است، با این تفاوت که در رژیم دوم این اثرات تشدید یافته است. نهادهای قوی به دلیل وجود چارچوب و قوانین مالی قوی می توانند به طور مؤثری به مهار بدهی در کشورها کمک کنند، ولی در کشورهایی با نهادهای ضعیف تر، به دلیل فقدان چارچوب های نظارتی، نبود ثبات سیاسی و اثربخشی دولت، وجود فساد و غیره می تواند به ناپایداری بدهی ها در کشور بیانجامد. مسأله مهمی که در سال های اخیر در ایران بروز نموده و تبعات آن در تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور قابل مشاهده است. این مطالعه نشان داد برخی پیامدهای منفی متغیرهای اقتصادی به دلیل ضعف در سیاست های دولت و نهادهای دولتی برای تقویت حکمرانی است که باعث شده محیط بهتری برای ارتقای متغیرهای اقتصادی شکل نگیرد و رشد اقتصادی کاهنده و بدهی های فزاینده را برای ایران به ارمغان بیاورد.

واژه های کلیدی: بدهی های عمومی، حکمرانی مطلوب، رگرسیون انتقال ملایم

طبقه بندی JEL: H11، C22، H83، H63

* عضو هیئت علمی پژوهشکده امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) maryamheidarian.1368@yahoo.com

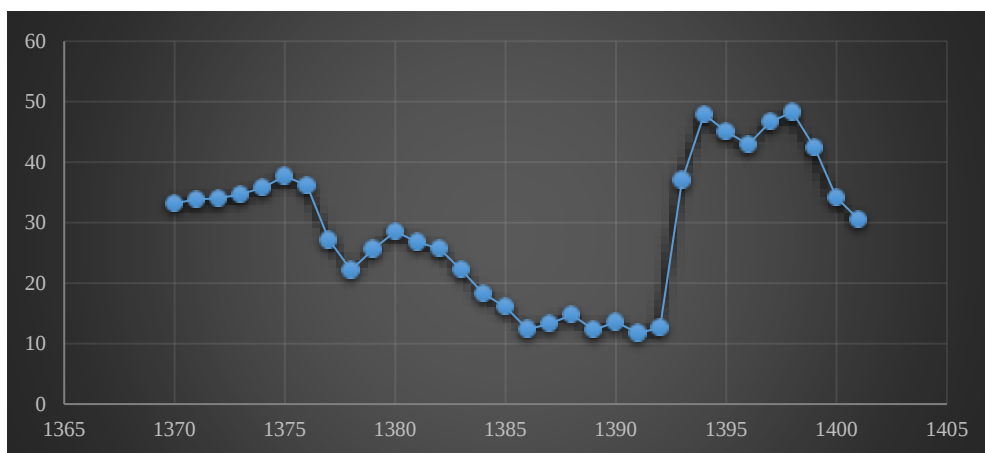
۱- مقدمه

اخیراً سطح بدهی جهانی طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول، به میزان بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است و در سال ۲۰۲۰ به ۲۲۶ تریلیون دلار رسید (گاسپار و همکاران^۱، ۲۰۲۱). این را می‌توان در وهله اول به همه‌گیری کووید-۱۹ نسبت داد و جنگ روسیه و اوکراین نیز باعث تشدید آن شد. افزایش بدهی‌های عمومی نه تنها در کشورهای در حال توسعه بلکه در کشورهای توسعه یافته نیز تجربه شده است. به عنوان مثال در سال ۲۰۲۲، بدهی در ایالات متحده ۱۱۰/۱۴ درصد، بریتانیا ۱۰۰/۷۴ درصد، اسپانیا ۱۰۲/۲۴ درصد و ایتالیا ۱۴۰/۵۷ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۲۳). سطوح بالای بدهی می‌تواند آسیب‌پذیری اقتصاد را در برابر شوک‌های کلان اقتصادی افزایش دهد و با ممانعت از انباشت سرمایه، تضعیف رشد اقتصادی و کاهش درآمدهای مالیاتی، به افزایش تورم بیانجامد (بیریل و همکاران^۲، ۲۰۲۰). لذا پرداختن به مسائل پایداری بدهی، به ویژه در کشورهایی که نکول بدهی دارند، مهم و حیاتی است. در اینجا سؤالی مطرح است؛ چه عواملی بر بدهی عمومی تأثیر می‌گذارد؟ لازم به ذکر است برخی از عوامل مؤثر بر انضباط مالی و بدهی‌های عمومی در غیاب نهادهای قوی قابل دستیابی نیست. شواهد نشان داده است که نهادهای قوی مانند اثربخشی دولت، کیفیت نظارتی، حاکمیت قانون و کنترل فساد برای مدیریت مؤثر بدهی و مقابله با بحران‌های مالی بسیار مهم هستند. به عنوان مثال، وحدت سیاسی و حکمرانی مطلوب در سوئد، از جمله عوامل مهم و مؤثر برای غلبه بر بحران بانکی ۱۹۹۳-۱۹۹۱ بوده است (جونینگ^۳، ۲۰۰۹). ادبیات دیگری نیز به نقش محیط نهادی در انباشت بدهی‌های داخلی و خارجی پرداخته‌اند، لذا کیفیت مؤسسات و در نتیجه حکمرانی مطلوب می‌تواند تأثیر مهمی در مختصات بودجه و بدهی داشته باشد (هایمبرگر^۴، ۲۰۲۳).

حاکمیت و نهادهای مالی ضعیف اغلب مرتبط با مشکل بدهی هستند. یک دولت ضعیف، با کیفیت نظارتی شکننده و فساد می‌تواند بخش بزرگی از درآمدهای مالیاتی را به سمت فعالیت‌های غیرمولد هدایت کند و سطح بدهی را افزایش دهد. مؤسسات ضعیف می‌توانند منجر به افزایش فعالیت‌های غیررسمی و فرار مالیاتی شوند و باعث گردند، دولت‌ها برای تأمین مالی هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری به استقراض بیشتری متوسل شوند (فریدمن و همکاران^۵، ۲۰۰۰). کشورهایی با مؤسسات ضعیف، اغلب دارای بخش‌های عمومی متورم و مخارج بالایی هستند؛ بنابراین یک بوروکراسی ضعیف و ناکارآمد می‌تواند عملکرد بخش عمومی را مخدوش نماید، ساختار مخارج را تغییر و بار بدهی را افزایش دهد (کورای و همکاران^۶، ۲۰۱۷). علاوه بر این، احتمال بیشتری برای انباشت بدهی در کشورهایی با مؤسسات ضعیف وجود دارد، زیرا مؤسسات ضعیف باعث فرار سرمایه شده و به نوبه خود نیاز به استقراض را افزایش می‌دهند (کلرا و همکاران^۷، ۲۰۰۸).

1. Gaspar et al.
2. Burriel et al.
3. Jonung
4. Heimberger
5. Friedman et al.
6. Cooray et al.
7. Cerra et al.

آمار و ارقام نشان می‌دهد که سطح بدهی‌های بخش دولتی به سیستم بانکی در ایران حدود ۱۰۶۵۶/۸ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۱ بوده است، یعنی معادل ۳۰/۵۵ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور. بخش عمده‌ای از این بدهی‌ها، مربوط به بدهی‌های بانکی دولت ایران است (نماگرهای اقتصادی، ۱۴۰۱). استقرار دولت از بانک مرکزی و در نتیجه انتشار پول برای تأمین مالی دولت، منجر به بروز پدیده حاکمیت مالی در اقتصاد می‌شود. این تبعات می‌تواند ناشی از فقدان محیط نهادی قوی در کشور باشد که منجر به تضعیف سیستم مالی کشور و در نتیجه انباشت بدهی شده است (کورای و اوزمن^۱، ۲۰۲۴).



نمودار ۱. نسبت بدهی‌های عمومی به تولید ناخالص داخلی - درصد

مأخذ: بانک مرکزی

با توجه به ساختار بدهی‌ها در ایران و وضعیت حکمرانی در سال‌های اخیر، بررسی کیفیت حکمرانی در کنترل مؤثر بدهی‌ها در امور مالی دولت از اهمیت بسزایی برخوردار است، لذا فرضیه اصلی این پژوهش آن است که حکمرانی نامطلوب منجر به انباشت بدهی عمومی بالاتر در ایران می‌شود. در سال‌های اخیر، ایران با چالش‌های سیاسی جدی نظیر اعتراضات داخلی، قیمت پایین نفت، کاهش درآمدهای مالی، فساد مالی و اداری و غیره مواجه بوده است. این وضعیت می‌تواند سیاست‌گذاران را به افزایش بدهی عمومی برای رونق اقتصادی و تأمین مالی توسعه وادار نماید. غافل از اینکه این راه‌حل می‌تواند آسیب‌پذیری کشور در برابر شوک‌های مالی داخلی و بین‌المللی را افزایش دهد. با توجه به اهمیت اثرگذاری حکمرانی مطلوب بر بدهی‌های دولت، در مطالعه حاضر تلاش خواهد شد به بررسی این اثرگذاری در قالب روش‌های غیرخطی رگرسیون انتقال ملایم طی دوره زمانی ۱۳۷۴ تا ۱۴۰۱ برای اقتصاد ایران پرداخته شود.

در ادامه، در قسمت‌های دوم و سوم، مبانی تئوریک این ارتباط مورد بررسی قرار خواهد گرفت و پیشینه‌های تجربی در داخل و خارج از کشور مطرح می‌شوند. در قسمت چهارم به روش‌شناسی پژوهش و معرفی مدل و متغیرها

پرداخته می‌شود. در قسمت پنجم یافته‌های تجربی و درنهایت در قسمت ششم، نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی ارائه می‌شود.

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱- مبانی نظری تحقیق

در حوزه اقتصاد سیاسی، بسیاری از تحقیقات تئوری و تجربی نشان داده‌اند که سطح بالای بدهی تا حدودی می‌تواند به دو دلیل تأثیر مثبت و مهمی بر عملکرد اقتصادی کشور داشته باشد؛ اولی به نقش هموارسازی نوسانات بدهی عمومی (بارو^۱) و دومی به نقش باز توزیع ثروت در بدهی عمومی مربوط می‌شود (کیوکیمرمن و ملتزر^۲، ۱۹۸۹). ازاین‌رو، چنین اثرات سودمندی تنها در صورت وجود حکمرانی مطلوب امکان‌پذیر است. کافمن و همکاران^۳ (۲۰۱۰) حکمرانی را به عنوان «سنت‌ها و نهادهایی که توسط آن‌ها اقتدار در یک کشور اعمال می‌شود»، تعریف و شش شاخص حکمرانی جهانی را در مقیاس بین ۲/۵- تا ۲/۵+ معرفی کردند که در آن نمره بالاتر به معنای کیفیت بهتر نهادها یا خوب بودن حکومت است. بر اساس این تعریف، حکمرانی سه نوع حوزه را در برمی‌گیرد: الف) فرایندهایی که توسط آن دولت‌ها، انتخاب، نظارت و جایگزین می‌شوند. ب) ظرفیت دولت برای تدوین و اجرای مؤثر سیاست‌های صحیح و پ) احترام به شهروندان و دولت برای نهادهایی که بر تعامل اقتصادی و اجتماعی بین آن‌ها حاکم است. هر حوزه شامل دو معیار حکمرانی و مجموعه‌ای از شش بعد است که کیفیت نهادها را تعیین می‌کند:

- شفافیت و پاسخگویی^۴: اندازه‌گیری میزان مشارکت شهروندان در یک کشور در انتخاب دولت خود و همچنین آزادی بیان، آزادی تشکل و استقلال رسانه‌ها.
- ثبات سیاسی و فقدان خشونت^۵: برداشتی از احتمال سرنگونی دولت با ابزارهای غیرقانونی یا خشونت‌آمیز ازجمله خشونت بانگیزه سیاسی و تروریسم.
- اثربخشی دولت^۶: توانایی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح را می‌سنجد. این شامل شاخص‌های کیفیت خدمات عمومی و میزان استقلال آن از فشارهای سیاسی است. همچنین بر توانایی‌های دولت برای تولید و اجرای سیاست‌های خوب و ارائه کالاهای عمومی تمرکز دارد.

1. Barro

2. Cukierman and Meltzer

3. Kaufman et al.

4. voice and accountability

5. political stability and absence of violence

6. government effectiveness

- کیفیت مؤسسات^۱: تمرکز بر توانایی‌های دولت برای تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقررات صحیحی که منجر به ارتقای توسعه بخش خصوصی می‌شود.
- حاکمیت قانون^۲: درکی از میزان پایبندی کارگزاران به نقش‌های جامعه مثل؛ کیفیت اجرای قراردادها، حقوق مالکیت، دادگاه‌ها و همچنین احتمال وقوع جرم و خشونت.
- کنترل فساد^۳: اعمال قدرت عمومی برای منافع خصوصی که شامل انواع کوچک و بزرگ فساد می‌شود (کافمن و همکاران، ۲۰۱۰).

سؤال اساسی پژوهش حاضر آن است که شش مؤلفه حکمرانی چگونه بر بدهی عمومی تأثیر می‌گذارند؟ برای پاسخ به این سؤال، محققان عوامل مؤثر بر کمیت و ترکیب بدهی، به ویژه عوامل سیاسی و نهادی انباشت بدهی را موردتوجه قرار دادند. در این زمینه، آلسینا و تابلینی^۴ (۱۹۹۰) نظریه مثبت بدهی را توسعه دادند و بیان کردند که بدهی‌های عمومی بالا تنها به دلیل عدم امکان توافق بین سیاستمداران حاکم به وجود می‌آید. یافته‌های روبینی و ساکس^۵ (۱۹۸۹) نشان داد که حکمرانی از طریق تحریف سیاسی فعالیت‌های رانت جویی می‌تواند بر انباشت بدهی عمومی تأثیر بگذارد. برای به حداقل رساندن فعالیت‌های رانت جویی، مقامات دولتی به دنبال سرمایه‌گذاری‌های کلان هستند که به ضرر سرمایه‌گذاری‌های نیروی کار محور است؛ بنابراین اگر دولتی مخارج خود را از طریق انباشت بدهی تأمین کند، در صورت بروز فساد، این امر مستلزم نیاز مجدد به بدهی بالاتر است که خود به هزینه‌های بالاتری برای خدمات بدهی به آن بدهی نیاز دارد. فساد اندازه مخارج عمومی را افزایش می‌دهد و ترکیب مخارج عمومی را از بخش‌های حیاتی مانند بهداشت و آموزش به سمت بخش‌هایی که دارای پنهان‌کاری بیشتر و شفافیت کمتر هستند، سوق می‌دهد (آلت و لاسن^۶، ۲۰۱۴).

مکانیسم‌های پاسخگویی بهتر می‌توانند به طور مؤثری به مبارزه با فساد و کاهش فعالیت‌های رانت جویی کمک کنند. آن‌ها با ایجاد محیط نظارتی قوی، قواعد حقوقی را به خوبی تنظیم و رعایت کرده، فرایند انتخاب و جایگزینی دولت‌ها عادلانه‌تر خواهد بود و در نتیجه به دولت‌ها کمک می‌کنند تا علیه سوءاستفاده از مناصب دولتی برای سود خصوصی مبارزه کند (کافمن، ۲۰۱۰). سطوح پایین شاخص‌های اثربخشی دولت، ثبات سیاسی و حاکمیت قانون می‌توانند اثرات نامطلوب رشوه بر محیط کسب‌وکار را افزایش و نرخ ملی سرمایه‌گذاری را کاهش دهند. در نتیجه منابع مشمول مالیات کاهش یافته که این موضوع حاکی از افزایش کسری بودجه و افزایش بدهی عمومی است (موسی و همکاران^۷، ۲۰۰۵).

1. regulatory quality
2. Rule of law
3. Control of corruption
4. Alesina and Tabellini
5. Roubini and Sachs
6. Alt and Lassen
7. Musa et al.

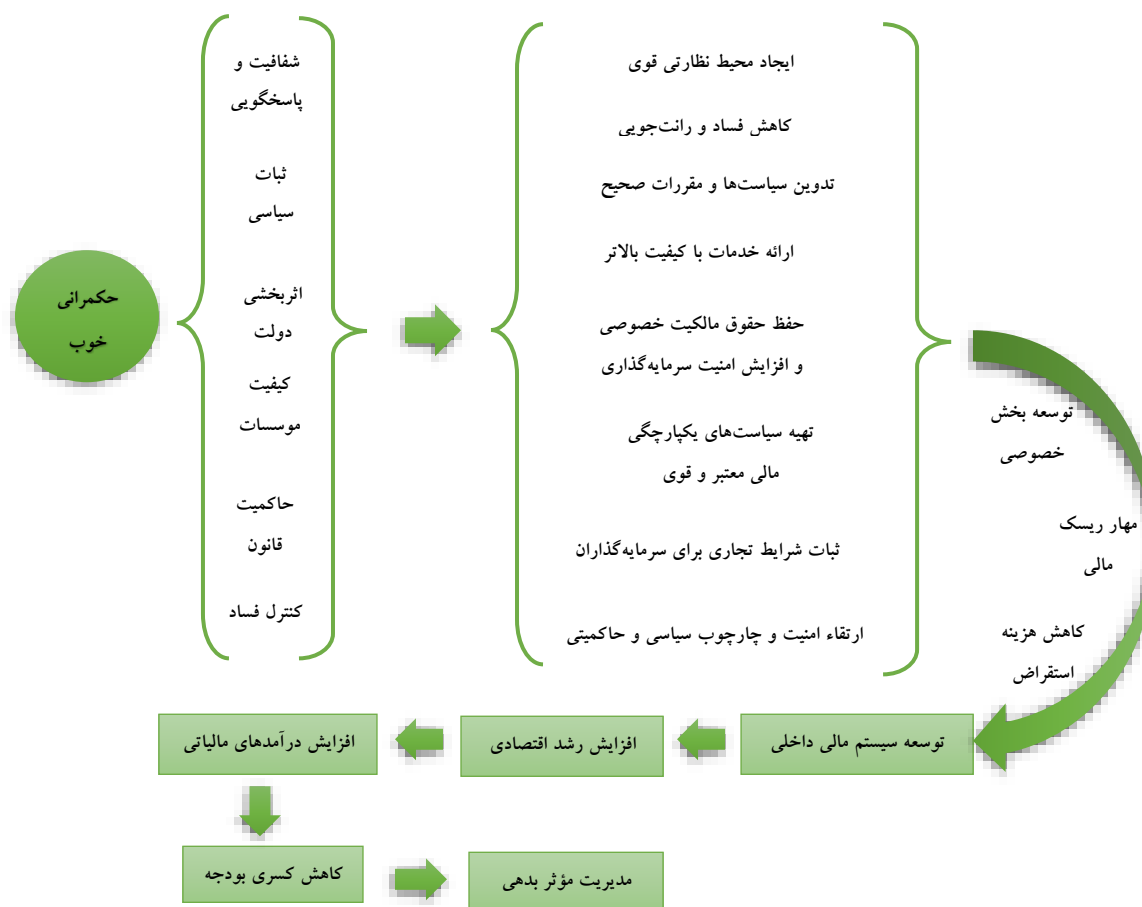
ثبات سیاسی به اطمینان از آینده می‌انجامد و احساس امنیت، چارچوب سیاسی فعلی و آتی حکومت را ارتقاء می‌بخشد. در این صورت جنبش‌های اعتراضی و غیبت نیروهای سیاسی و اجتماعی افراطی که به ثبات رژیم سیاسی کنونی لطمه می‌زند، وجود نخواهد داشت. اگر دولت کنونی از نوع خودکامه باشد، مدیران خود را از نظر مالی خودمختارتر می‌بینند و در قدرت خود احساس امنیت می‌کنند، این امر هزینه‌های عمومی غیرضروری را تا حد زیادی افزایش می‌دهد (ایسترلی^۱، ۲۰۰۲). در مقابل، در مورد دولت‌های دموکراتیک، سیاستمدارانی که در قدرت هستند، خود را در موقعیت سیاسی مطلوب‌تری می‌بینند که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا در مورد سیاست‌های بودجه و مالیه عمومی تصمیم‌گیری بهینه داشته باشند، در این حالت می‌توان انتظار داشت هزینه استقرار عمومی کاهش یابد. کیفیت نهادی و ثبات سیاسی که یکدیگر را در بلندمدت تقویت می‌کنند، به طور مثبتی بر سیاست‌های مالی اثرگذار هستند و سطح بدهی عمومی را کاهش می‌دهند (آگکا و اويا^۲، ۲۰۱۲). با حفظ حقوق مالکیت خصوصی و امنیت سرمایه‌گذاری، ثبات سیاسی قابل پیش‌بینی‌تر و طولانی‌تر خواهد بود که در آن سرمایه‌گذاران خصوصی داخلی و بین‌المللی می‌توانند فعالیت کنند. در نتیجه نرخ سرمایه‌گذاری ملی و به تبع آن رشد اقتصادی افزایش یافته، باعث افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش کسری بودجه می‌شود (بن علی و آل یحیی^۳، ۲۰۱۹).

اثربخشی دولت اثرات محدودکننده و مفیدی بر رفتار بازیگران خصوصی و دولتی ایجاد می‌کند. در این صورت اعتبارات عادلانه‌تری در راستای اولویت‌های اقتصادی و اجتماعی کشور هزینه می‌شود. در نتیجه می‌توان کسری بودجه را به خوبی کنترل و بدهی عمومی را بهتر مدیریت کرد. اثربخشی دولت می‌تواند با ارائه خدمات عمومی باکیفیت بالا و فراهم کردن شرایط تجاری باثبات و نسبتاً سودمند، رتبه‌های اعتباری بهتری را کسب و سرمایه‌گذاری بیشتری را جذب کرده، بهره‌وری مخارج دولت افزایش داده و سطوح بالاتری از انباشت سرمایه انسانی را تشویق کند. که در نهایت باعث ایجاد سطوح بالاتری از رشد اقتصادی و درآمدهای مالیاتی بیشتر می‌گردد که به نوبه خود نیاز دولت به بدهی عمومی بالا را کاهش می‌دهد (آپرجیس و آپرجیس^۴، ۲۰۱۸).

کیفیت مؤسسات باید دولت را قادر سازد تا سیاست‌ها و مقررات صحیحی را تدوین و اجرا کند که به توسعه بخش خصوصی بیانجامد. علاوه بر آن به دولت این امکان بدهد که جمع‌آوری مالیات به طور مؤثرتری صورت گیرد. بر این اساس، بودجه دولت با ورود بیشتر درآمدها تأمین می‌شود و نیاز دولت به استفاده از استقراض برای تأمین کسری بودجه را کاهش می‌دهد (هیمبرگر^۵، ۲۰۲۳). در نهایت می‌توان گفت، سیاست‌های یکپارچگی مالی زمانی معتبرتر و قوی‌تر خواهند بود که توسط دولت‌های کارآمد اتخاذ شوند، زیرا این دولت‌ها در کاهش هزینه‌ها موفق‌تر هستند. در نتیجه اجماع گسترده‌ای در ادبیات نظری و تجربی وجود دارد که حکمرانی مطلوب می‌تواند به کشورها

1. Easterly
2. Ağca and Oya
3. Ben Ali and Al Yahya
4. Apergis and Apergis
5. Heimberger

کمک نماید تا با کاهش هزینه استقراض، مهار ریسک مالی و توسعه بازار بدهی داخلی خود، به طور مؤثری بدهی عمومی را مدیریت کرده و با حفظ ثبات مالی، سیستم مالی داخلی خود را توسعه دهند (کوری و ازمان، ۲۰۲۴). در شکل (۲) این ارتباط نظری و مکانیسم‌های اثرگذاری شاخص‌های حکمرانی بر بدهی‌های دولت نشان داده شده است:



شکل ۱. فرایند اثرگذاری حکمرانی و شاخص‌های آن بر بدهی‌های دولت

منبع: یافته‌های تحقیق

در کشورهایی با عملکرد و رفتار کلاسیکی می‌توان انتظار داشت که دولت برای پس‌انداز و افزایش نرخ بهره با بخش خصوصی رقابت کند، لذا احتمال ایجاد محیط‌های نهادی ضعیف در این کشورها وجود دارد. در مدل‌های کینزی، بدهی عمومی بالاتر منجر به افزایش تقاضای کل می‌شود. حال در کشورهایی با نهادهای قوی به دلیل وجود چارچوب مالی قوی، افزایش سطح بدهی چندان مهم نیست، ولی در کشورهایی با نهادهای ضعیف‌تر، بدهی می‌تواند به سطوح ناپایدار برسد. نهادها و چارچوب‌های مالی قوی می‌توانند با کاهش احتمال و تأثیر اشتباهات مالی، مدیریت درآمد و مهار خطرات ناشی از بدهی‌های احتمالی به جلوگیری از بحران‌ها و تضمین رشد اقتصادی پایدار کمک نمایند. همچنین می‌توان انتظار داشت

در این محیط نهادی، کاهش تورم و نوسانات آن و بهبود روش های جمع آوری مالیات ها به بانک مرکزی در دستیابی به اهدافش کمک بسزایی نماید (اوغلو و همکاران^۱، ۲۰۰۵؛ کوز و همکاران^۲، ۲۰۲۰). از سوی دیگر در کشورهایی با نهادهای قوی، مدیریت بدهی با اقدامات سیاستی دیگری مانند برنامه ریزی استراتژیک برای مقابله با خطرات احتمالی و تضمین سیاست های مالی پایدار همراه است (بالیبک و همکاران^۳، ۲۰۱۹). لازم به ذکر است این قوانین و چارچوب های مالی تنها زمانی کار می کنند که یک دولت مؤثر باشد و چارچوب های بودجه ای واضح و روشن داشته باشد، در مجموع، در حکمرانی نامطلوب، ناپایداری بدهی های بدهی و افزایش کسری بودجه مورد انتظار است، ولی با بهبود کیفیت شاخص های حکمرانی می توان انتظار داشت، منابع درآمدی پایداری برای دولت ایجاد شده و از ناپایداری بدهی های دولت کاسته شود (کلیک و همکاران^۴، ۲۰۲۰).

۲-۲- پیشینه تحقیق

۲-۲-۱- مطالعات خارجی

کوری و ازمان (۲۰۲۴) در مطالعه ای به بررسی نقش موسسات بر بدهی عمومی با رویکرد رگرسیون کوانتایل برای ۵۴ کشور عضو و غیرعضو اتحادیه اروپا طی دوره زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ پرداختند. یافته های آنها نشان داد که اثربخشی دولت، کیفیت نظارتی، پاسخگویی دارای تأثیرات مشابهی در هر دو گروه کشورها بودند. ولی ثبات سیاسی و کنترل فساد فقط در کشورهای عضو اتحادیه اروپا باعث کاهش بدهی شده بود.

جارجو و نجیه^۵ (۲۰۲۳)، در پژوهشی، عوامل کلیدی تعیین کننده بدهی عمومی در گامبیا را طی دوره زمانی (۲۰۰۰-۲۰۱۹) بررسی کرده اند. برای این منظور از روش خودرگرسیون با وقفه های گسترده (ARDL) برای بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی منتخب کوتاه مدت و بلندمدت و همچنین یک متغیر اثربخشی دولت در تعیین سطح بدهی عمومی گامبیا استفاده شده است و نتایج مطالعه آنها نشان داد که باز بودن تجارت و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص تأثیر فزاینده ای بر بدهی عمومی گامبیا در بلندمدت دارد. از سوی دیگر، رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز رسمی و متغیرهای اثربخشی دولت اثرات کاهشی بر سطح بدهی عمومی در بلندمدت دارند. به طوری که، هیچ یک از متغیرها رابطه معنی داری با بدهی عمومی سطوح گامبیا در کوتاه مدت نشان نمی دهد و نهادهای دولتی ضعیف یکی از محرک های اصلی بدهی عمومی کشور در بلندمدت هستند.

رمضان و همکاران^۶ (۲۰۲۳) در مطالعه ای به بررسی نقش کیفیت موسسات در رابطه رشد-بدهی در پاکستان با استفاده از روش خودرگرسیون با وقفه های توزیعی طی دوره زمانی ۲۰۲۰-۱۹۹۶ پرداخته اند. نتایج کوتاه مدت نشان می دهد که بدهی

1. Acemoglu et al.
2. Kose et al.
3. Balibek et al.
4. Celik et al.
5. Jarju & Njie
6. Ramzan et al.

عمومی ارتباط مطلوبی با رشد اقتصادی دارد، در حالی که این رابطه در بلندمدت منفی است. علاوه بر آن، اثر ترکیبی بدهی عمومی و کیفیت نهادی، ارتباط کثبتی با رشد اقتصادی نشان داده است. به عبارتی کیفیت نهادی بهتر می‌تواند به کاهش تأثیر منفی بدهی عمومی بر رشد اقتصادی در پاکستان کمک کند.

کونگو^۱ (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای به مدلسازی نقش کیفیت نهادی بر پایداری بدهی عمومی در کنیا پرداخته است. یافته‌های این مطالعه نشان داد که کیفیت نهادی تأثیر مثبت قابل توجهی بر پایداری بدهی عمومی دارد. البته تعامل بین مانده حساب جاری و کیفیت نهادی از نظر آماری اثر منفی و معناداری بر پایداری بدهی عمومی داشته است. موسی و همکاران^۲ (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای به بررسی بدهی عمومی، حکمرانی و رشد اقتصادی در ۴۴ کشور درحال توسعه با رویکرد کوانتایل طی دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۹۰ پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که بدهی عمومی مانعی برای رشد اقتصادی در همه چندقدها است. ولی در حضور حکمرانی خوب، بدهی عمومی باعث افزایش رشد اقتصادی شده است. یافته‌های این مطالعه تأیید می‌کند که حکمرانی در ارتقای رشد اقتصادی بسیار مهمتر است.

عباس و همکاران^۳ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای به نقش حاکمیت در رابطه بدهی-رشد با استفاده از رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته در ۱۰۶ کشور برای دوره زمانی ۲۰۱۵-۱۹۹۶ پرداخته‌اند. نتایج نشان‌دهنده الگوی غیرخطی بین بدهی عمومی و رشد اقتصادی از طریق حاکمیت بود. به عبارتی اگرچه بدهی عمومی تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته است، ولی در تعامل با حاکمیت دارای اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی بود. اثرات آستانه نیز نشان داد که بدهی عمومی زمانی که سطح حاکمیت بالاتر از آستانه باشد، اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد و در صورت پایین بودن سطح حکمرانی نسبت به آستانه، بر رشد اقتصادی تأثیر منفی خواهد داشت.

بن علی و آل یحیی (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر حکمرانی بر بدهی عمومی در کشورهای خلیج فارس با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته طی دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۵ پرداخته‌اند. نتایج مطالعه آنها نشان داد بهبود در شاخص‌های حکمرانی به استثنای فساد، منجر به کاهش بدهی‌های عمومی می‌شود.

آپرچیس و آپرچیس (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای به بررسی اثرات فساد بر بدهی عمومی در ۱۲۰ کشور طی دوره زمانی ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۵ با استفاده از رگرسیون انتقال ملایم پانلی پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که رابطه بین فساد و بدهی غیرخطی است، و یک اثر آستانه‌ای قوی وجود دارد، به طوری که بدهی عمومی به یک رژیم فاسد نسبت به یک رژیم کم فاسد سریعتر پاسخ می‌دهد. لذا لازم است اقدامات برای کاهش فساد با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، درآمدهای مالیاتی بالاتر تکمیل شود.

تارک و احمد^۴ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای به بررسی اثرات حکمرانی بر انباشت بدهی عمومی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۵ پرداختند، نتایج مطالعه آنها نشان داد که حکمرانی ضعیف منجر به انباشت بدهی بالاتر می‌شود، به ویژه در سه شاخص ثبات سیاسی و عدم خشونت، کیفیت نظارتی و حاکمیت قانون.

1. Kongo

2. Musa et al.

3. Abbas et al.

4. Tarek & Ahmed

کوری و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین فساد، اقتصاد سایه و بدهی عمومی با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته برای ۱۲۶ کشور طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۲ پرداختند. نتایج یافته‌های آنها نشان داد که افزایش فساد و اقتصاد سایه بزرگتر منجر به افزایش بدهی عمومی می‌شود. علاوه بر آن، نتایج نشان داد که اقتصاد سایه تأثیر فساد بر بدهی عمومی را افزایش دهد و آنها به عنوان مکمل عمل می‌کنند. به طوری که اقتصاد سایه بزرگتر نیز منجر به کاهش درآمدهای مالیاتی شده، و به دلیل افزایش هزینه‌های دولت، اثرات فساد بر بدهی دولت نیز افزایش می‌یابد.

۲-۲-۲- مطالعات داخلی

افشاری‌راد و همکاران (۱۴۰۲)، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیرات نامتقارن شاخص حکمرانی خود بر رشد اقتصادی در ۲۰ کشور منطقه خاورمیانه و شما آفریقا طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۲۲ با استفاده از روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیرخطی پرداخته‌اند. نتایج تخمین آنها نشان‌دهنده تأثیرات نامتقارن افزایش و کاهش شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی در بلندمدت و کوتاه‌مدت است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، در سطوح بالای حکمرانی (سطوح پایین فساد و مقررات زاید و محدودیت‌های سیاسی و سطوح بالای ثبات سیاسی و حاکمیت قانون و اثربخشی دولت) که کیفیت نهادها نیز در سطح بالایی است، تمامی شش مؤلفه حکمرانی خوب باعث جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی می‌گردد و موجب تسریع در نرخ رشد اقتصادی می‌شوند.

روستا و ظهوری کهنمویی (۱۴۰۲)، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر کیفیت حکمرانی بر شمول مالی بخش بانکی در کشورهای منتخب منا پرداخته و با استفاده از روش FMOLS^۱ برای دوره زمانی ۲۰۲۱-۲۰۰۴ نشان دادند، بهبود شاخص حکمرانی بر شمول مالی تأثیرگذار است و بیشترین تأثیر مربوط به متغیر کیفیت قانون است و کمترین مربوط به متغیر مسئولیت‌پذیری است.

غفاری‌فرد و دانش (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی با استفاده از رویکرد داده‌های تابلویی طی دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که شاخص حکمرانی در کشورهای منتخب دارای اثر مثبتی بر رشد اقتصادی بوده است. با توجه به نقش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در رونق اقتصادی کشورها سیاست‌گذاران اقتصادی و سیاسی جهت جهش تولید می‌بایست در کنار افزایش مهارت نیروی انسانی و ارتقای اکوسیستم توسعه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشور، ارتقای ثبات سیاسی و اقتصادی، افزایش کارایی و اثربخشی دولت‌ها، تثبیت حاکمیت قانون، کنترل فساد و افزایش حق اظهارنظر شهروندان در امور مختلف کشور را در دستور کار خود قرار دهند تا به اهداف و نتایج مطلوب دست یابند.

رضایی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین استقلال بانک مرکزی و تحقق شاخص‌های حکمرانی خوب در راستای رشد و توسعه اقتصادی ایران با بهره‌گیری از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته طی دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۴

1. Fully Modified Ordinary Least Squares

پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد استقلال بانک مرکزی اثر معنی‌دار بر حکمرانی خوب دارد، به گونه‌ای که افزایش در استقلال سیاست پولی، استقلال سیاسی و استقلال مالی موجب کاهش در ریسک سیاسی، مالی و اقتصادی می‌گردد. ملکی حسونود و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به سازوکار اثرگذاری همزمان حکمرانی خوب و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی با استفاده از رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته در دوره زمانی ۲۰۱۶-۲۰۰۲ در کشورهای حوزه منا پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهند که حکمرانی خوب و مخارج دولتی دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی هستند. تأثیر متقابل رشد اقتصادی و مخارج دولتی مثبت و معنی‌دار است.

ایزدخواستی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به تحلیل تأثیر کیفیت حکمرانی و ترکیب مخارج دولت بر رشد اقتصادی در ایران در چارچوب یک الگوی رشد درون‌زا پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داد که افزایش کیفیت حکمرانی از طریق اثرگذاری بر ساختار مخارج دولت و کاهش رانت دولتی، باعث افزایش ذخیره سرمایه سرانه، تولید سرانه، مصرف سرانه و سطح رفاه در وضعیت یکنواخت شده است.

کفیلی و قاسم‌زاده (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به نقش حکمرانی خوب در تأثیرگذاری مخارج دولت در بهداشت برای ۱۰۹ کشور در حال توسعه در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵ پرداخته‌اند. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که مخارج بهداشتی دولت اثر مثبت و معناداری بر سطح توسعه بهداشتی دارد و این اثر با بهبود حکمرانی افزایش پیدا می‌کند. در نتیجه افزایش سطح سلامت جامعه می‌تواند بدون افزایش مخارج نیز انجام شود و محدودیت منابع در کشورهای در حال توسعه نمی‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای باشد.

مرور مطالعات تجربی نشان داد که اثرات حکمرانی بر بدهی‌های عمومی به طور مستقیم مورد بررسی قرار نگرفته است و صرفاً به مطالعاتی همچون اثرات حکمرانی بر توسعه مالی، ثبات مالی یا مخارج دولتی پرداخته شده است، لذا در این مطالعه به سبب گستردگی این موضوع در ادبیات خارجی و ضعف ادبیات داخلی، و همچنین اهمیت نقش حکمرانی در بدهی‌های دولت در اقتصاد ایران، با استفاده از رویکرد رگرسیون انتقال ملایم تلاش شده است، به اثرات آستانه‌ای حکمرانی بر بدهی‌های دولت پرداخته می‌شود.

۳- روش‌شناسی تحقیق

۳-۱- روش رگرسیون انتقال ملایم

مدل رگرسیون انتقال ملایم یک مدل سری زمانی غیرخطی است که می‌توان آن را به عنوان یک شکل توسعه‌یافته از مدل‌های رگرسیونی تغییر وضعیت^۱ تلقی کرد. یک نمونه اولیه از این مدل‌ها، رگرسیون آستانه‌ای TR^2 است که به وسیله هنسن^۳ ارائه شده است. در این مدل، مشاهدات با توجه به متغیر آستانه‌ای که کمتر و یا بیشتر از مقدار آستانه‌ای

1. Switching Regression
2. Threshold Regression (TR)
3. Hansen

تعیین شده باشند، به چند گروه و یا رژیم همگن^۱ تقسیم می‌شوند. در این مدل، مشاهدات، بسیار نزدیک به مقدار آستانه‌ای وجود دارند که به لحاظ اختلافات ناچیز در دور گروه متفاوت قرار گرفته‌اند و از این رو، به نحوی تأثیرگذاری آن‌ها با یک جهش شدید مواجه است. برای رفع این مشکل، مدل رگرسیونی انتقال ملایم (STR) توسط فوک و همکاران^۲ (۲۰۰۴)، گونزالز و همکاران^۳ (۲۰۰۵) و کولیتاز و هارولین^۴ (۲۰۰۶) ارائه و توسعه داده شده که در حقیقت، شکل گسترش یافته مدل TR با لحاظ نمودن تابع انتقال است (خانزادی و همکاران، ۱۳۹۷). مدل انتقال ملایم در حالت کلی به صورت معادله (۱) تصریح می‌شود:

$$y_t = \Psi'_0 z_t + \Psi'_1 z_t G(\gamma \cdot c \cdot s_t) + \varepsilon_t \quad \mu_t \sim iid(0, \sigma^2) \quad (1)$$

که در آن، $z_t = (W'_t, X'_t)$ بردار متغیرهای توضیحی به همراه مقادیر با وقفه آن و مقادیر با وقفه متغیر وابسته y_t به صورتی که $W'_t = (1, y_{t-1}, \dots, y_{t-p})'$ و $X'_t = (x_{1t}, \dots, x_{kt})'$ تعریف می‌شوند. Ψ'_0 بردار ضرایب قسمت خطی و Ψ'_1 بردار ضرایب قسمت غیرخطی هستند و μ_t جزء اخلاص یا جمله خطا بوده و s_t متغیر انتقال است که تغییرات آن باعث تغییر ضریب متغیرهای برآوردگر می‌شود. این متغیر می‌تواند وقفه متغیر درون‌زا بوده و یا از جمله متغیرهای برون‌زا باشد. همچنین، می‌تواند متغیر سومی خارج از این چارچوب باشد. تابع $G(\gamma \cdot c \cdot s_t)$ تابع انتقال نامیده می‌شود که مقدار آن می‌تواند بین صفر و یک باشد. بر این اساس، ضرایب مدل STR بین Ψ'_0 و $\Psi'_0 + \Psi'_1$ در نوسان خواهند بود. تابع انتقال شامل پارامتر شیب^۵ γ و پارامتر موقعیت^۶ c است. پارامتر شیب، سرعت انتقال را بین دو الگوی حدی مشخص می‌کند و پارامتر موقعیت، تعیین‌کننده حد آستانه بین این رژیم‌هاست. مقدار متغیر انتقال و مقدار تابع انتقال متناظر با آن $G(0)$ ، تعیین‌کننده الگوی حاکم در هر دوره t خواهد بود. با فرض یک تابع انتقال دو رژیمی که در آن یک بار تغییر رژیم اتفاق می‌افتد، تابع لاجستیک به فرم زیر است:

$$G(\gamma \cdot c \cdot s_t) = \left[1 + \exp \left\{ \frac{-\gamma}{\sigma_{dt}^k} \prod_{k=1}^k (c - s_t) \right\} \right]^{-1} \text{ with } \gamma > 0 \quad (2)$$

هنگامی که $\gamma \rightarrow \infty$ و $s_t > c$ آنگاه $G = 1$ بوده و زمانی که $s_t < c$ است، $G = 0$ خواهد بود، بنابراین رابطه (۱) به یک مدل آستانه‌ای تبدیل می‌شود. هنگامی که $\gamma \rightarrow 0$ رابطه (۲) به یک مدل رگرسیون خطی تبدیل می‌شود (وان دیچک^۷، ۱۹۹۹؛ و ترازویراتا^۸، ۲۰۰۴).

قبل از برآورد یک الگوی غیرخطی به صورت STR ابتدا می‌باید غیرخطی بودن آن مورد آزمون قرار گیرد. در صورتی که فرض صفر مبنی بر خطی بودن الگو رد شود، باید از بین مدل‌های غیرخطی بالقوه، به انتخاب نوع مدل غیرخطی (LSTR1)

1. Homogenous

2. Fok et al.

3. Gonzalez et al.

4. Colletaz & Hurlin

5. Slope Parameter

6. Location Parameter

7. Van Dijk

8. Terasvirta

یا LSTR2) پرداخته و پارامترهای آن را تخمین زد. برای آزمون فرضیه خطی بودن، بایستی محدودیت $\gamma = 0$ را در الگوی غیرخطی (۱) آزمون کرد؛ اما تحت فرضیه صفر $\gamma = 0$ ضرایب الگو قابل شناسایی نیستند. به همین دلیل برای آزمون یادشده مدل STR، با استفاده از بسط تیلور آن حول $\gamma = 0$ تقریب زده می‌شود و در نتیجه رگرسیون کمکی زیر به دست می‌آید:

$$y_t = \alpha + \beta_0^* z_t + \sum_{j=1}^3 \beta_j^* s_t^j + \varepsilon_t \quad (3)$$

حال فرضیه صفر خطی بودن به صورت $\beta_1 = \beta_2 = \beta_3 = 0$ است که آماره آزمون مورد استفاده برای آزمون فرضیه نیز آماره آزمون F است. پس از آنکه فرضیه خطی بودن بین متغیرها رد شد، برای تشخیص نوع مدل غیرخطی باید آزمون‌های زیر مبتنی بر معادله (۳) انجام شود:

$$H02: \beta_3 = 0 \quad (4)$$

$$H03: \beta_2 = 0 | \beta_3 = 0 \quad (5)$$

$$H04: \beta_1 = 0 | \beta_2 = \beta_3 = 0 \quad (6)$$

آماره آزمون‌های مربوط به فرضیه‌های صفر فوق به ترتیب با F2، F3 و F4 نشان داده می‌شود؛ که در صورت رد فرضیه H03 مدل LSTR2 (مدل LSTR با دو بار تغییر رژیم) یا ESTR (مدل انتقال رژیم نمایی)^۱ تأیید می‌شود؛ که با آزمون فرضیه صفر $c_1 = c_2$ می‌توان یکی از این دو مدل را انتخاب کرد. و در صورت رد فرضیه‌های H02 و H04، مدل LSTR1 (مدل LSTR با یک بار تغییر رژیم) انتخاب می‌شود. پس از تشخیص نوع مدل، به تخمین آن پرداخته می‌شود؛ که این مرحله شامل یافتن مقادیر مناسب اولیه برای تخمین غیرخطی و برآورد پارامترها به روش حداکثر راست نمایی ML بوده که کار تخمین با نرم افزار متلب انجام شده است و در نهایت پس از تخمین مدل، به ارزیابی مدل پرداخته خواهد شد؛ که این مرحله معمولاً شامل تحلیل‌های گرافیکی همراه با آزمون‌هایی نظیر رابطه غیرخطی در پسماندها است.

۴-۲- معرفی مدل و متغیرها

به منظور برآورد اثرات حکمرانی بر بدهی‌های دولت در اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۷۴ تا ۱۴۰۱ از رویکرد رگرسیون انتقال ملایم به پیروی از مطالعات، آپرجیس و آپرجیس (۲۰۱۸) و کوری و ازمان (۲۰۲۴) استفاده شده است. معادله زیر برای بررسی اثرات حکمرانی و سایر متغیرهای توضیحی بر بدهی‌های دولت طراحی شده است:

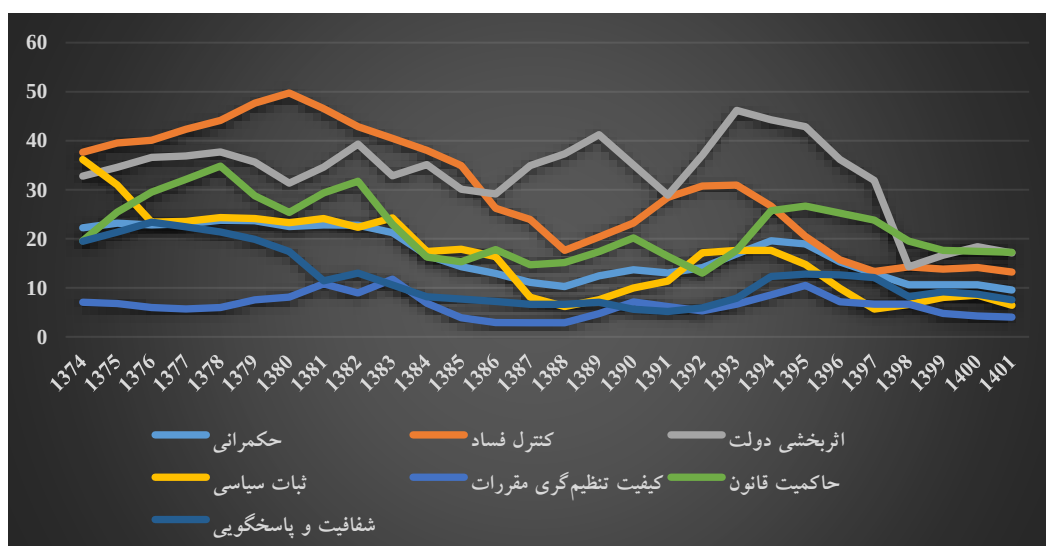
۱. مدل STR (نمایی) یک مدل جایگزین (ساده‌تر) برای LSTR2 است؛ که تابع انتقال آن به صورت زیر است $GE(\gamma, st, c) = 1 - \exp\{-\gamma(st - c)\}$ ، γ و از آنجا که این تابع یک پارامتر کمتر از مدل LSTR2 دارد، جانشین مناسبی برای مدل LSTR2 تلقی می‌شود. مدل ESTR در شرایطی که مقدار γ بزرگ بوده و $c_1 - c_2$ نیز با صفر فاصله معناداری داشته باشد، تخمین مناسبی از LSTR2 نمی‌باشد؛ ولی در سایر موارد می‌تواند جایگزین مناسبی باشد.

$$DEBT_t = \beta_0 + \beta_1^{(1)} GG_t + \beta_1^{(2)} GG_t f(Q_t, \gamma, Q_D) + \beta_2 GGDP_t + \beta_3 GFC_t + \beta_4 TAX_t + \beta_5 COST_t + \beta_6 OP_t + \varepsilon_t \quad (7)$$

به طوری که:

$DEBT_t$: بدهی های عمومی دولت که به صورت مجموع بدهی های دولت و شرکت های دولتی به سیستم بانکی (بانک مرکزی و سایر بانک های تجاری) به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی محاسبه شده است. اطلاعات بدهی های عمومی و تولید ناخالص داخلی از اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی گردآوری شده است.

GG_t : شاخص حکمرانی مطلوب که از میانگین هندسی شش شاخص: شفافیت و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی و کارایی، کیفیت مقررات و قوانین، حاکمیت قانون، و کنترل فساد تشکیل و از سایت بانک جهانی برای ایران گردآوری و محاسبه شده است.^۱ در شکل (۱) وضعیت این شاخص و زیرمجموعه های آن برای دوره زمانی ۱۳۷۴ تا ۱۴۰۱ نشان داده شده است. بررسی روند متغیرهای حکمرانی در سال های اخیر نسبت به سال های قبل از آن نشان دهنده افول در وضعیت حکمرانی ایران است. بالاترین میزان حکمرانی در سال ۱۳۷۸ به اندازه ۲۸/۰۶ واحد بود که عمده این افزایش به دلیل افزایش در متغیر کنترل فساد و حاکمیت قانون مربوط می شود. ولی پایین ترین میزان آن در سال ۱۴۰۱ بوده است که تمامی زیرشاخص های حکمرانی به شدت کاهش یافته اند، البته این روند کاهشی از سال های قبل از آن شروع شد و در سال ۱۴۰۱ به پایین ترین میزان خود رسید. در بین شاخص های حکمرانی در سال ۱۴۰۱، پایین ترین میزان مربوط به کیفیت تنظیم گری مقررات و ثبات سیاسی است و بالاترین آن مربوط به حاکمیت قانون و اثربخشی دولت می شود.



شکل ۱. وضعیت شاخص حکمرانی و زیرمجموعه های آن در ایران

منبع: بانک جهانی

۱. به دلیل انتشار داده های شاخص حکمرانی از سال ۱۹۹۶ که مقدار عددی رتبه بندی آن بین صفر تا ۱۰۰ است، طول دوره زمانی از این سال شروع می شود.

GDP_t : رشد تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی که بر اساس شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی سال ۱۳۹۵ محاسبه شده است. رشد اقتصادی بالاتر باعث افزایش درآمد داخلی می‌شود که نیاز به بدهی را کاهش می‌دهد. بنابراین انتظار می‌رود تأثیر منفی بر بدهی دولت داشته باشد (جارجو و نجیه^۱، ۲۰۲۳).

GFC_t : تشکیل سرمایه ثابت ناخالص که به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی محاسبه و از اطلاعات سری زمانی و نماگرهای بانک مرکزی استخراج شده است. تشکیل سرمایه ثابت ناخالص عبارت است از هزینه خریداری کالاهای سرمایه‌ای توسط بخش خصوصی، تولیدکنندگان خدمات دولتی و تولیدکنندگان خصوصی غیرانتفاعی در خدمت خانوارها منهای خالص فروش کالاهای سرمایه‌ای دست دوم و قراضه در طول یک دوره حسابداری به طور معمول یک سال، کالاهای سرمایه‌ای، کالای نهایی و با دوامی می‌باشند که در تولید کالا و خدمات جدید به کار برده شده و عمر اقتصادی و مورد انتظار آن‌ها بیش از یک سال است. تشکیل سرمایه ثابت ناخالص انتظار می‌رود که تأثیر مثبتی بر بدهی دولت داشته باشد؛ زیرا هر چه سرمایه‌گذاری‌های بیشتری توسط دولت انجام شود، آن‌ها بیشتر از منابع خارجی برای تأمین مالی این پروژه‌های سرمایه‌گذاری وام می‌گیرند و در نتیجه سطح بدهی عمومی را افزایش می‌دهند (جارجو و نجیه، ۲۰۲۳).

TAX_t : درآمدهای مالیاتی به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی که از سالنامه‌های آماری امور مالیاتی تهیه شده است. ادبیات اقتصادی فرض می‌کند که یک رابطه منفی بین مالیات و بدهی عمومی وجود دارد. این فرض با این مفهوم توضیح داده می‌شود که افزایش درآمدهای عمومی باعث کاهش کسری بودجه و در نتیجه کاهش بدهی عمومی می‌شود (اودار و الوشایبات^۲، ۲۰۲۰)، همچنین منگوی^۳ (۲۰۲۰) تأیید می‌کند بین سطوح مالیات و بدهی عمومی در کشورهای اتحادیه پولی ارتباط وجود دارد، به طوری که بین نرخ مالیات و سطح بدهی عمومی رابطه منفی است. بنابراین انتظار می‌رود افزایش درآمدهای مالیاتی دولت تأثیر منفی بر بدهی دولت داشته باشد.

$COST_t$: نسبت هزینه‌های عملیاتی به تولید ناخالص داخلی که از اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی استخراج شده است. تئوری‌های اقتصادی یک رابطه مثبت بین مخارج جاری و بدهی عمومی و بین مخارج سرمایه و بدهی عمومی فرض می‌کند؛ زیرا افزایش مخارج عمومی مستلزم افزایش کسری بودجه و در نتیجه افزایش بدهی عمومی است (اودار و الوشایبات، ۲۰۲۰)، در نتیجه انتظار می‌رود در این پژوهش افزایش مخارج و هزینه‌های دولتی باعث افزایش بدهی دولت شود.

OP_t : شاخص باز بودن تجاری که به صورت نسبت مجموع واردات به صادرات به تولید ناخالص داخلی محاسبه شده است، اطلاعات آن نیز از اطلاعات سری زمانی و نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی گردآوری شده است. علی‌رغم این واقعیت که باز بودن یک اقتصاد ارتباط مستقیمی با بدهی عمومی دارد، به طور گسترده ثابت شده است که آن‌ها رابطه معکوس دارند. اقتصادهای کمتر توسعه یافته معمولاً با محدودیت در تجارت مشخص می‌شوند که طبق نظر اوبوین و مایراورت^۴ (۲۰۰۳)، حذف موانع تجاری می‌تواند منجر به رشد بیشتر در اقتصاد و افزایش صادرات شود، بنابراین وابستگی به بدهی

1. Jarju & Njie
2. Qwader & Aloshaibat
3. Menguy
4. Auboin and Meier-Ewert

خارجی را کاهش می‌دهد و انتظار می‌رود این شاخص در این تحقیق تأثیر منفی بر بدهی دولت داشته باشد، به این معنی که هرچه اقتصاد باز تر باشد، سطح بدهی عمومی آن پایین تر است. (جارجو و نجیه، ۲۰۲۳).

$f(Q_t, \gamma, Q_D)$: تابع انتقال در مدل رگرسیون انتقال ملایم است که در معادله (۷) به عنوان تابع انتقال انتخاب شده‌اند و به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$f(Q_t, \gamma, Q_D) = \left[1 + \exp \left(-\gamma \prod_{c=1}^m (Q_t - Q_c) \right) \right]^{-1}, \gamma > 0, Q_1 \leq \dots \leq Q_m \quad (۸)$$

Q_c پارامتر مکانی از تابع انتقال، γ پارامتر ملایم است و این پارامترها درجه انحراف و انتقال تابع لجستیک و سرعت انتقال رژیم در سیستم‌های متفاوت را نشان می‌دهد. از این پارامترها جهت تعیین ترکیب بهینه حکمرانی بر بدهی استفاده می‌شود.

۴- نتایج و تحلیل یافته‌های تحقیق

۴-۱- آزمون‌های ریشه واحد

در روش‌های سری زمانی، گام نخست بررسی مانایی متغیرهاست. با توجه به نامانایی اکثر سری‌های زمانی در اقتصاد کلان، به کارگیری اقتصادسنجی متداول برای تحلیل کمی روابط اقتصادی تردیدآمیز جلوه می‌کند. درواقع، نامانایی سری‌های زمانی (داشتن ریشه واحد) ممکن است به رگرسیون کاذب منجر شود؛ لذا ابتدا موارد مربوط به مانایی همه متغیرهای مدل به وسیله روش فیلیپس-پرون^۱ (PP) آزمون می‌شود.

جدول ۱. نتایج آزمون فیلیپس-پرون (با عرض از مبدأ)

متغیر	آزمون فیلیپس-پرون		
	مقدار بحرانی ۱٪	مقدار بحرانی ۵٪	مقدار بحرانی ۱۰٪
DEBT	-۳/۷۱۱۴	-۲/۹۸۱۰	-۲/۶۲۹۹
GG	-۳/۷۱۱۴	-۲/۹۸۱۰	-۲/۶۲۹۹
GGDP	-۳/۷۱۱۴	-۲/۹۸۱۰	-۲/۶۲۹۹
GFC	-۳/۷۱۱۴	-۲/۹۸۱۰	-۲/۶۲۹۹
TAX	-۳/۷۱۱۴	-۲/۹۸۱۰	-۲/۶۲۹۹
COST	-۳/۷۱۱۴	-۲/۹۸۱۰	-۲/۶۲۹۹
OP	-۳/۷۱۱۴	-۲/۹۸۱۰	-۲/۶۲۹۹
آماره PP	-۳/۰۶۱۱	-۴/۱۴۷۴	-۴/۴۸۱۴
	-۵/۶۲۳۱	-۴/۹۸۳۴	-۳/۰۸۶۹
	-۴/۳۲۳۴		

مأخذ: یافته‌های پژوهش

1. Phillips-Perron Test

نتایج آزمون‌های مانایی نشان می‌دهد که همه متغیرهای موردبررسی در این پژوهش در سطح مانا و دارای میانگین، واریانس و ساختار کوواریانس ثابت هستند.

۲-۴- آزمون غیرخطی بودن و تعیین نوع مدل

به پیروی از مباحث مطرح شده در بخش معرفی الگو و آزمون‌های تشخیصی آن، ابتدا فرضیه صفر خطی بودن در مقابل فرضیه وجود الگوی غیرخطی STR با در نظر گرفتن حکمرانی به عنوان متغیر انتقال، آزمون و نتایج این آزمون در جدول (۲) ارائه شده است که با توجه به آماره F گزارش شده، فرضیه صفر این آزمون مبنی بر خطی بودن مدل، رد و وجود رابطه غیرخطی بین متغیرهای مدل تأیید می‌شود. پس از رد فرضیه خطی بودن مدل به آزمون فرضیه‌های (۳) تا (۶) که مبتنی بر معادله (۲) می‌باشند، پرداخته می‌شود. نتایج آزمون فرضیه‌های $H02$ ، $H03$ و $H04$ نیز در جدول (۲) ارائه شده و با توجه به آماره‌های $F2$ ، $F3$ و $F4$ الگوی پیشنهادی مناسب LSTR1 (مدل لاجستیک با یک نقطه آستانه‌ای) است.

جدول ۲. آزمون‌های خطی بودن و تعیین نوع مدل

متغیر انتقال	آماره F	آماره F2	آماره F3	آماره F4	مدل پیشنهادی
GG	۰/۰۰۷	۰/۰۹۳	۰/۰۱۵	۰/۰۰۹	LSTR1

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۳-۴- نتایج تخمین مدل

پس از انتخاب نوع مدل، به برآورد مدل غیرخطی انتخابی (LSTR1) پرداخته می‌شود. تخمین مدل تحقیق شامل دو مرحله است: مرحله اول انتخاب مقادیر اولیه و مرحله دوم شامل تخمین نهایی الگوی تحقیق. نتایج این برآورد در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج برآورد مدل

متغیرها	ضریب	t محاسباتی	مقدار بحرانی
قسمت خطی مدل			
CONST	۸/۱۴۱۵	۱/۳۰۸۱	۰/۱۱۳۴
GG	۰/۲۳۸۱	۵/۸۷۲۴	۰/۰۰۱۸
GGDP	۰/۰۸۹۱	۲/۴۵۶۱	۰/۰۳۴۸
GFC	۰/۰۸۳۳	۲/۹۸۱۲	۰/۰۳۱۶
TAX	-۰/۰۱۴۹	-۳/۱۸۹۲	۰/۰۲۹۹
COST	۰/۰۸۷۲	۴/۰۲۱	۰/۰۰۹۱
OP	۰/۰۶۵۵	۲/۸۸۲۱	۰/۰۲۷۱
قسمت غیرخطی مدل			
CONST	-۵/۱۴۴۳	-۱/۷۶۵۵	۰/۱۴۷۸
GG	۰/۳۴۷۷	۳/۲۵۷۷	۰/۰۰۷۸

قسمت غیرخطی مدل			
GGDP	۰/۱۱۲۳	۴/۱۸۷۱	۰/۰۰۱۷
GFC	۰/۱۷۶۲	۴/۵۶۷۱	۰/۰۰۱۸
TAX	-۰/۰۵۱۲	-۲/۹۹۲۱	۰/۰۳۱۱
COST	۰/۱۱۵۳	۳/۳۳۴۱	۰/۰۰۹۱
OP	۰/۰۸۷۷	۳/۷۷۱۱	۰/۰۰۱۲
مکان وقوع تغییر رژیم	۱۴/۱۸		
پارامتر شیب	۱/۷۷		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بنا بر جدول شماره (۳)، مقادیر نهایی تخمین زده شده برای پارامتر شیب برابر ۱/۷۷ و برای حد آستانه برابر با ۱۴/۱۸ است، بنابراین تابع انتقال به صورت رابطه (۹) خواهد بود:

$$G(1.77, GG, 14.18) = [1 + \exp\{-1.77(GG - 14.18)\}]^{-1} \quad (9)$$

با توجه به نکات اشاره شده در بخش روش شناسی پژوهش، رژیم حدی اول متناظر باحالتی است که پارامتر شیب به سمت بی نهایت میل کند و مقدار متغیر انتقال کمتر از حد آستانه‌ای است. در این حالت، تابع انتقال مقدار عددی صفر دارد ($G=0$) و بنابراین، برای رژیم اول:

$$DEBT = 8.14 + 0.23GG + 0.08GGDP + 0.08GFC - 0.01TAX + 0.08COST + 0.06OP \quad (10)$$

رژیم حدی دوم متناظر باحالتی است که پارامتر شیب به سمت بی نهایت میل کرده و مقدار متغیر انتقال بزرگ‌تر از حد آستانه‌ای باشد. در این حالت تابع انتقال مقدار عددی یک را به خود می‌گیرد ($G=1$) و بنابراین برای رژیم دوم:

$$DEBT = 2.99 + 0.58GG + 0.20GGDP + 0.25GFC - 0.06TAX + 0.20COST + 0.15OP \quad (11)$$

بر اساس روابط (۱۰) و (۱۱)، متغیر حکمرانی در هر دو رژیم دارای اثرات مثبتی بر بدهی‌های دولت بوده است، با این تفاوت که در سطوح حکمرانی بالاتر از ۱۴/۱۸، اثر مثبت حکمرانی بر بدهی تشدید یافته است و از ۲۳٪ واحد در رژیم اول (خطی) به ۳۴٪ واحد در رژیم دوم (غیرخطی) افزایش یافته است و در مجموع به اندازه ۵۸٪ واحد باعث افزایش بدهی‌های دولت شده است، این موضوع نشان دهنده حکمرانی ضعیف در ایران است که نه تنها منجر به کاهش بدهی‌های دولت نشده، بلکه به تشدید آن نیز افزوده است. لذا مدیریت بدهی در ایران باوجود حکمرانی ضعیف، دچار تزلزل است و قابلیت

۱. میانگین شاخص حکمرانی خوب طی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۴۰۱ به اندازه ۱۶/۸۴ واحد است که از حد آستانه ۱۴/۱۸ واحد بالاتر است، لذا حد آستانه برای تغییر وضعیت اثرات حکمرانی بر بدهی‌های عمومی کمتر از حد میانگین حکمرانی خوب اتفاق می‌افتد، به عبارتی می‌توان انتظار داشت اگر حد حکمرانی خوب از میانگین آن پایین‌تر باشد، تبعات شدیدتری بر بحران بدهی‌ها در دولت خواهد داشت.

اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های استراتژیک در بلندمدت را ندارد. لذا فرضیه اصلی این تحقیق یعنی حکمرانی بد منجر به انباشت بالای بدهی می‌شود، مورد تأیید است.

همچنین متغیر رشد اقتصادی و سرمایه نیز در هر دو رژیم باعث افزایش بدهی‌های دولت شده‌اند، با این تفاوت که در رژیم دوم این اثرات تشدید شده است و در مجموع با افزایش رشد اقتصادی و سرمایه ثابت ناخالص در ایران، به ترتیب بدهی‌های دولت به اندازه ۰/۲۰ و ۰/۲۵ درصد افزایش یافته‌اند. برخلاف انتظاری افزایش رشد اقتصادی منجر به کاهش درآمدهای دولت و در نتیجه افزایش بدهی‌ها شده است. این موضوع نشان می‌دهد که مسیر رشد اقتصادی در ایران همراه با افزایش تورم بوده و این موضوع به تشدید هزینه‌های دولت و افزایش بدهی‌های عمومی منجر شده است. نتایج نشان داد، افزایش مالیات‌ها در ایران روند خوبی در کاهش بدهی‌های عمومی داشته است، به گونه‌ای که در رژیم اول به اندازه ۰/۹ درصد باعث کاهش بدهی‌های دولت شده است ولی در رژیم دوم به اندازه ۰/۵ درصد بدهی‌ها را کاهش داده است و در مجموع ۰/۶ درصد کاهش در بدهی‌های دولت را شاهد بودیم. می‌توان استدلال نمود که با توجه به افزایش وصول درآمدهای مالیاتی در هر سال، این روند می‌تواند در افزایش درآمدهای عمومی دولت مؤثر باشد و در نتیجه از افزایش بدهی‌های دولت بکاهد.

علاوه بر آن، افزایش هزینه‌های عملیاتی منجر به افزایش سطح بدهی‌های دولت در رژیم اول و دوم شده و در مجموع به میزان ۰/۲۰ درصد بدهی‌های دولت را افزایش داده است. لذا از تبعات آن می‌توان به افزایش کسری بودجه و روی آوردن دولت به بدهی‌ها اشاره نمود. در نهایت باز بودن تجاری به دلیل تحریم‌های وارده بر ایران در هر دو رژیم دارای اثرگذاری مثبت و معناداری بوده‌اند و در مجموع به اندازه ۰/۱۵ درصد باعث افزایش بدهی‌های دولت شده‌اند. این موضوع به دلیل کاهش صادرات و کاهش درآمدهای خارجی می‌تواند بر کسری بودجه و در نتیجه بر بدهی‌های دولت اثر مثبتی داشته باشد. حال از آزمون باقیمانده غیرخطی^۱ برای بررسی اینکه آیا مدل برآورد شده دارای ویژگی‌های رضایت بخشی از غیرخطی بودن است یا خیر، استفاده شده است؛ که طبق جدول شماره (۴) مقدار احتمال آزمون $H_0: \beta_1 = \beta_2 = \beta_3 = 0$ ، ۰/۹۶ به دست آمده است؛ که بر این اساس مشخص می‌شود که مسأله غیرخطی بودن در مورد متغیر گذار به طور مناسبی مدل سازی شده است.

جدول ۴. آزمون باقیمانده غیرخطی

فرضیه	مقدار بحرانی آزمون F
$H_0: \beta_1 = \beta_2 = \beta_3 = 0$	۰/۹۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق

به منظور اطمینان از قابلیت اتکا بودن نتایج به دست آمده در قسمت قبل، آزمون‌های تشخیصی مدل شامل عدم خودهمبستگی، واریانس ناهمسانی، تصریح صحیح مدل و استاندارد انجام شد که نتایج آنها در جدول (۵) ارائه شده است:

1. Testing no additive nonlinearity

جدول ۵. نتایج آزمون‌های تشخیصی مدل

آزمون	آماره	احتمال	نتیجه
عدم خودهمبستگی	*۲/۴۸۰۳	(۰/۱۸۱۳)	عدم وجود خودهمبستگی
تصریح صحیح مدل	۱/۶۰۰۲	(۰/۱۳۰۴)	تصریح صحیح مدل
نرمال بودن	۱/۶۵۰۹	(۰/۴۳۸۰)	نرمال بودن توزیع جملات خطا
همسانی واریانس	۲/۵۶۶۲	(۰/۴۶۰۵)	همسانی واریانس

منبع: یافته‌های پژوهش

طبق نتایج جدول (۵)، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، مدل به‌درستی تصریح شده و در آن مشکل خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس وجود نداشته و طبیعی بودن توزیع جملات خطا با توجه به مقدار احتمال LM مورد تأیید است.

۵- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادهای سیاستی

یکی از اساسی‌ترین مباحث اقتصاد بخش عمومی در سال‌های پس از جنگ جهانی و به‌ویژه در بحران‌های مالی ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ و همچنین همه‌گیری کووید-۱۹، موضوع بدهی‌های دولت و عوامل مؤثر بر آن است. کشورهای درحال توسعه برای اجرای بودجه ملی خود، بدهی عمومی قابل توجهی را به دلیل مواجهه با کسری بودجه مستمر متحمل می‌شوند، همین موضوع منجر به تأمین مالی مجدد بدهی و انعقاد وام‌های جدید برای پرداخت است. لذا بررسی عوامل مؤثر بر بدهی‌های دولت به یک مسأله چالشی برای دولت و نهادهای دولتی تبدیل شده است. از بین عوامل مؤثر، بعد سیاسی و حاکمیتی مؤثر بر بدهی‌های دولتی موضوعی است که در مطالعات نظری و تجربی کمتر به آن پرداخته شده است، درعین حالی از اهمیت بالایی در مدیریت بدهی‌های دولت برخوردار هستند. لذا در مطالعه حاضر با استفاده از روش رگرسیون انتقال ملایم تلاش شده است به بررسی و تحلیل اثرات حکمرانی بر بدهی‌های دولت برای ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۴ تا ۱۴۰۱ پرداخته شود. نتایج نشان داد افزایش شاخص حکمرانی در هر دو رژیم خطی و غیرخطی داری اثرگذاری مثبت و معناداری بر بدهی‌های دولت بوده است، با این تفاوت که در رژیم دوم این اثرات تشدید یافته است. بررسی روند داده‌های حکمرانی طی دوره انتخابی نشان داد که شاخص‌های حکمرانی در ایران روند کاهشی داشته است و همین موضوع باعث افزایش بدهی‌های دولت شده است، لذا با ادامه این روند می‌توان انتظار داشت، طبق برآورد رژیم دوم، افزایش بدهی‌ها نیز به‌طور مستمر ادامه یابد. نهادهای قوی به دلیل وجود چارچوب و قوانین مالی قوی می‌توانند به‌طور مؤثری به مهار بدهی در کشورها کمک کنند، ولی در کشورهایی با نهادهای ضعیف‌تر، به دلیل فقدان چارچوب‌های نظارتی، نبود ثبات سیاسی و اثربخشی دولت، وجود فساد و غیره می‌تواند به ناپایداری بدهی‌ها در کشور بیانجامد. لذا ارتقای حکمرانی مطلوب و کیفیت نهادها در ایران بایستی بسیار موردتوجه قرار گیرد، در غیر این صورت باید منتظر تبعات ناشی از آن در تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور بود.

همین روند کاهشی در متغیرهای رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری نیز در سال‌های اخیر وجود داشته که باعث افزایش بدهی‌های دولت شده است، لذا با ادامه این روند می‌توان انتظار داشت، رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری نمی‌تواند به مدیریت بدهی‌های دولت کمک کند. از سوی دیگر به دلیل وصول بالای درآمدهای مالیاتی، بدهی‌های دولت در هر دو رژیم خطی و غیرخطی، کاهش معناداری داشته‌اند. ولی هزینه‌های عملیاتی دولت باعث افزایش بدهی‌های دولت شده است، لذا کارآمد نمودن هزینه‌های دولت می‌تواند در مدیریت بدهی‌های دولت نقش بسزایی داشته باشد. همچنین به دلیل تحریم‌های وارده بر ایران، افزایش باز بودن تجاری منجر به افزایش بدهی‌های دولت شده است. این یافته‌ها پیامدهای مهمی برای سیاست‌گذاران دارد که در حال حاضر به دلیل قیمت پایین نفت و کاهش تجارت با عدم تعادل‌های مالی و خارجی بزرگ مواجه هستند. بر طبق نتایج به دست آمده، رژیم اول با اکثر مطالعات موردبررسی سازگار و هم‌راستا است ولی تشدید اثرات در رژیم دوم تنها با مطالعه جارجو و نجیه (۲۰۲۳) که برای کشور گامبیا انجام داده بود، مطابقت دارد، به‌طوری‌که در این مطالعه که برای ایران نیز سازگار است، اثرات کیفیت نهادها در کوتاه و بلندمدت باعث افزایش بدهی‌های عمومی شده است.

مدیریت صحیح بدهی عمومی نشان‌دهنده یک کار فوری است، به‌ویژه آنکه مشکلات مدیریت بدهی عمومی اغلب منشأ خود را در عدم توجه سیاست‌گذاران به هزینه‌های حاکمیت بد و مدیریت ضعیف اقتصاد کلان می‌دانند. این مطالعه نشان داد برخی پیامدهای منفی متغیرهای اقتصادی به دلیل ضعف در سیاست‌های دولت و نهادهای دولتی برای تقویت حکمرانی است که باعث شده محیط بهتری برای ارتقای متغیرهای اقتصادی شکل نگیرد و رشد اقتصادی کاهنده و بدهی‌های فزاینده را برای ایران به ارمغان بیاورد. لذا مسأله حکمرانی در ایران بایستی به‌طور دقیق موردبررسی کارشناسان و سیاست‌گذاران قرار گیرد، عوامل ضعف در آن ریشه‌یابی شود و راهکارهایی برای ارتقای آن اتخاذ گردد تا بتوان نمود آن را در بهبود متغیرهای کلان اقتصادی دید.

برای دستیابی به پایداری بدهی عمومی بایستی سیاست‌گذاران برافزایش کیفیت نهادی ازجمله حکمرانی، شفافیت و کارایی در مدیریت مالی عمومی تمرکز کنند. کیفیت مؤسسات می‌تواند به نظم مالی بهتر، شیوه‌های صحیح مدیریت بدهی و بهبود پایداری بدهی بیانجامد. همچنین با تمرکز بر تعامل بین تراز حساب جاری و کیفیت نهادی، می‌توان پاسخ‌های سیاستی مناسبی برای تأثیر مثبت بر پایداری بدهی دریافت نمود. در ادامه نیز پیشنهادهایی به‌صورت موردی ارائه می‌شود:

- ترویج جمع‌آوری درآمدها و مالیات‌ها و استفاده مؤثر از مخارج دولتی
- مدیریت بهتر وجوه استقراضی با انجام سرمایه‌گذاری‌های باکیفیت که فرصت‌های بیشتری را ایجاد می‌کند.
- دیجیتالی نمودن خدمات عمومی به جهت مبارزه با فساد و کنترل آن
- ترویج انتخابات آزاد و شفاف و تقویت قانون اساسی زیرا بی‌ثباتی سیاسی برای توسعه اقتصادی مطلوب نیست، به دلیل آنکه سرمایه‌گذاری را کاهش و مانع از بهبود درآمد می‌شود.

- اولویت‌دهی به اصلاحات مالی، ازجمله اصلاحات مالیاتی جامع، مدیریت مالیاتی کارآمد، اقدامات ضد فرار مالیاتی و کاوش جریان‌های درآمدی جدید برای متنوع کردن پایه درآمدی و ایجاد فضای مالی.

منابع

منابع داخلی

- افشاری‌راد، مجید؛ فرزانه خلیلی، عبدالرحیم هاشمی دیزج و مهدی یزدان فروش، (۱۴۰۲)، «تأثیرات نامتقارن شاخص حکمرانی مطلوب بر رشد اقتصادی: (مطالعه موردی: کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا)»، فصلنامه مجلس و اقتصاد، ۱۱(۱)، ۱۷۳-۱۴۹.
- ایزدخواستی، حجت (۱۳۹۷)، «تحلیل تأثیر کیفیت حکمرانی و ترکیب مخارج دولت بر رشد اقتصادی در ایران: رویکرد رشد درون‌زا»، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، ۱۵(۴)، ۱۶۵-۱۳۵.
- رضایی، علی؛ مظاهری، طهماسب؛ توسلی رکن‌آبادی، مجید (۱۳۹۹)، «بررسی رابطه بین استقلال بانک مرکزی و تحقق شاخص‌های حکمرانی مطلوب در راستای رشد و توسعه اقتصادی ایران»، فصلنامه علمی- پژوهشی رشد و توسعه اقتصادی، ۱۱(۴۱)، ۶۴-۵۳.
- روستا، زهره؛ ظهوری کهنمون، رحیم (۱۴۰۲)، «تأثیر کیفیت حکمرانی بر شمول مالی بخش بانکی در کشورهای منتخب منا»، فصلنامه مجلس و اقتصاد، ۱۱(۱)، ۱۴۸-۱۲۹.
- غفاری فرد، محمد و دانش، حسنی (۱۴۰۱)، «تأثیر حکمرانی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی (رویکرد داده‌های تابلویی)»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۱۲(۴)، ۲۱-۱.

منابع خارجی

- Abbas, S. M. A. & Christensen, J. (2007). *The role of domestic debt markets in economic growth: An empirical investigation for low-income countries and emerging markets*. IMF Working Paper No. 07/127.
- Acemoglu, D. Johnson, S. & Robinson, J. (2005b). The rise of Europe: Atlantic trade, institutional change and economic growth. *The American Economic Review*, 95 (3), 546-579.
- Ağca, S. and Oya, C. (2012), "Sovereign debt and corporate borrowing costs in emerging markets", *Journal of International Economics*, 88(1), 198-208.
- Alesina, A. Tabellini, G. 1990. A positive and normative theories of fiscal deficits and government debt. *Rev. Econom. Stud.* 57, 403-414.
- Alt, J.E. Lassen, D.D. 2014. Enforcement and public corruption: Evidence from the American states. *J. Law Econ. Organ.* 30 (2), 306-338. <http://dx.doi.org/10.1093/jleo/ews036>
- Apergis, E. and Apergis, N. (2019), New evidence on corruption and government debt from a global country panel: A non-linear panel long-run approach", *Journal of Economic Studies*, 46(5), 1009-1027. <https://doi.org/10.1108/JES-03-2018-0088>
- Balibek, E. Haque, T. Rivetti, D. & Tamene, M. (2019). Medium-term debt management strategy analytical tool. Technical notes and manuals, 2019 (003). International Monetary Fund. <https://doi.org/10.5089/9781498314985.005>
- Barro, R. (1979). On the determination of the public debt. *The Journal of Political Economy*, 87(5), 940-971.
- Ben Ali, T. & Al Yahya, B.B. (2019). The effect of governance on public debt: an empirical investigation for the Arabian Gulf countries, *Journal of Economic Studies*, Emerald Group Publishing Limited, 46(4), 812-841, August.
- Burriel, P. Checherita-Westphal, C. Jacquinot, P. Schon, " M. & Stahler, " N. (2020). *Economic consequences of high public debt: Evidence from three large scale DSGE models*. European Central Bank Working Paper Series. No 2450.
- Celik, K. S. Kose, M. A. & Ohnsorge, F. (2020). *Subdued potential growth: Sources and remedies*. Centre for Applied Macroeconomic Analysis. The Australian National University. CAMA Working Paper 24/2020.

- Cerra, V. Rishi, M. & Saxena, S. (2008). Robbing the riches: Capital flight, institutions and debt. *Journal of Development Studies*, 44(8), 1190–1213.
- Cooray, A. & Özmen, I. (2024). The role of institutions on public debt: A quantile regression approach. *International Review of Economics & Finance, Elsevier*, 93(PA), 912-928.
- Cooray, A. and Ozmen, I. (2024). The role of institutions on public debt: A quantile regression approach. *International Review of Economics and Finance*, 93. 912-928.
- Cooray, A. Dzhumashev, R. & Schneider, F. (2017). How does corruption affect public debt? An empirical analysis. *World Development*, 90, 115–127.
- Cukierman, A. Meltzer, A.H. (1989). A political theory of government debt and deficits in a neo-ricardian framework. *Amer. Econ. Rev.* 79, 713–732.
- Easterly, W. (2002), “How did heavily indebted poor countries become heavily indebted? Reviewing two decades of debt relief”, *World Development*, 30(10), 1677-1696.
- Friedman, E. Johnson, S. Kaufmann, D. & Zoido-Lobaton, P. (2000). Dodging the grabbing hand: The determinants of unofficial activity in 69 countries. *Journal of Public Economics*, 76, 459–493.
- Gaspar, V. Medas, P. & Perrelli, R. (2021). *Global debt reaches a record \$226 trillion. IMF Blog: External Debt*. December 15 2021 <https://www.imf.org/en/Blogs/Articles/2021/12/15/blog-global-debt-reaches-a-record-226-trillion>.
- Heimberger, P. (2023). Public debt and r-g risks in advanced economies: Eurozone versus stand-alone. *Journal of International Money and Finance*, 136, Article 102877.
- Heimberger, P. (2023). Public debt and r-g risks in advanced economies: Eurozone versus stand-alone. *Journal of International Money and Finance*, 136, Article 102877.
- Jarju, S. & Njie, M. (2023). The determinants of public debt in the Gambia: Estimates using the autoregressive distributed lag (ARDL) bound cointegration technique. *Journal of Economics and International Finance*. 15(2), 46-55.
- Jonung, L. (2009). *The Swedish model for resolving the banking crisis of 1991-93: Several reasons why it was successful*. Brussels: European Commission.
- Kaufman, D. Kraay, A. Mastruzzi, M. 2010. *The worldwide governance indicators: Methodology and analytical issues (September 2010)*. World Bank Policy Research Working Paper (5430).
- Kongo, Y.O. (2023). “Moderating Role of Institutional Quality on Public Debt Sustainability in Kenya”. *Journal of Economics, Finance and Management Studies*. 6(8), 3891-3897.
- Kose, A. M. Nagle, P. Ohnsorge, F. & Sugawara, N. (2020). *Global waves of debt: Causes and consequences (Advance Edition)*. Washington, DC: World Bank. License: Creative Commons Attribution CC BY 3.0 IGO.
- Lumpkin, S. (2009). *Resolutions of weak institutions: Lessons learned from previous crises*. OECD Journal: Financial Market Trends, 2, 1–42.
- Musa, K. Sohag, K. Said, J. Ghapar, F. Ali, N. (2023). *Public Debt, Governance, and Growth in Developing Countries: An Application of Quantile via Moments*. *Mathematics*, 11, 650. <https://doi.org/10.3390/math11030650>
- Ramzan, M. HongXing, Y. Abbas, Q. Fatima, S. Hussain, R. Y. (2023). “Role of institutional quality in debt-growth relationship in Pakistan: An econometric inquiry”. *Heliyon*, 9(8), e18574.
- Roubini, N. Sachs, J. 1989. Political and economic determinants of budget deficits in the industrial democracies. *Eur. Econ. Rev.* 33, 903–933.
- Tarek, B. A. & Ahmed, Z. (2017). Governance and public debt accumulation: Quantitative analysis in MENA countries. *Economic analysis and policy*, 56, 1–13.